



قتل گریگوری راسپوتین شخصیت مرموز دربار تزاری روس (1916م)

گریگوری افیموویچ نوویخ معروف به راسپوتین، دهقان زاده‌ای روسی بود که در 12 مه سال 1872م به دنیا آمد.

گریگوری افیموویچ نوویخ معروف به راسپوتین، دهقان زاده‌ای روسی بود که در 12 مه سال 1872م به دنیا آمد. وی از همان ابتدای سنین جوانی به حرفه جادوگری و پیش‌گویی روی آورد و توانست با استفاده لباس کشیشی، به دربار تزار نیکلای دوم، پادشاه روسیه راه یابد. راسپوتین طی سال‌های حضور در دربار، بر ملکه روسیه نفوذ فراوانی یافت و مقامات حکومتی را برضد خود برانگیخت. اما تزار به سبب علاقه‌ای که همسرش به راسپوتین داشت اقداماتی جدی در این رابطه انجام نداد تا این‌که راسپوتین توسط نخست‌وزیر وقت که از دخالت‌های گسترده وی به ستوه آمده بود از کشور اخراج شد. ولی راسپوتین از محل تبعید نیز رابطه خود را با ملکه روس حفظ نمود و با ارسال نامه‌های متعدد، نخست وزیر را به توطئه علیه خاندان سلطنتی متهم کرد. ملکه نیز نفرت و سوء ظن خود را به تزار منتقل نمود و روابط تزار و نخست وزیرش به تدریج به سردی گرایید تا این‌که نخست‌وزیر در حادثه‌ای به قتل رسید. از این زمان، راسپوتین به روسیه بازگشت و شهرت اعمال و رفتار جادوگرانه و آمیخته با فساد و شهوت‌رانی راسپوتین، به گوش اکثر مردم روسیه رسید و جنجالی را نیز در داخل مجلس دوما برانگیخت. اما نفوذ وی در دربار و حمایت شخص ملکه روسیه از وی مانع از هر تصمیم جدی علیه او می‌گردید به طوری که هر کس راسپوتین را به خشم می‌آورد مغضوب ملکه تزار می‌شد و جان‌ش مورد تهدید قرار می‌گرفت. راسپوتین به تدریج در عزل و نصب‌ها، ماموریت دادن به افراد دولتی و تصمیمات کوچک و بزرگ تزار نیز اعمال نفوذ و دخالت می‌کرد. از آن طرف، تزار نیکلای دوم در مورد چگونگی برخورد روسیه با بحران جنگ اول جهانی و نیز شروع تهاجمات و پایان آن، با راسپوتین مشورت می‌کرد. در این زمان به توصیه راسپوتین و اصرار ملکه که تحت تاثیر تلقینات راسپوتین قرار داشت، تزار نیکلای دوم شخصا فرماندهی کل قوای روسیه را به عهده گرفت و با خروج او از پایتخت برای عزیمت به منطقه جنگی، اختیار امور کشور به دست ملکه و در واقع به دست راسپوتین افتاد. مکاتبات ملکه روسیه با تزار از هنگام تصدی فرماندهی کل قوای روسیه از طرف تزار، نشان می‌دهد که ملکه در تمام این مدت در جزئیات نقشه‌های جنگی قرارداداشته و در هر یک از نامه‌ها و تلگراف‌های خود به تزار، نظریات راسپوتین را در امور نظامی به تزار تلقین می‌نمود. بعدها فاش شد که مداخلات ملکه و تلقینات راسپوتین که نه فقط در ملکه، بلکه در تزار هم موثر بود، یکی از عوامل مهم شکست نیروهای روسیه در جنگ جهانی اول به شمار می‌رفت. گفته می‌شود راسپوتین حتی روز مرگ خود در اول ژانویه 1917م را نیز پیش‌بینی کرده بود. او در نامه‌ای به تزار متذکر شده بود که اگر به دست عوامل دولتی یا شاهزادگان درباری کشته شود کلیه خاندان سلطنتی، ظرف دو سال نابود خواهند شد. گریگوری راسپوتین سرانجام در آخرین روز سال 1916م در 44 سالگی به دست یک شاهزاده تزاری به قتل رسید. قاتلان، جسد او را در اول ژانویه 1917م در میان یخ‌های رود نوا انداختند، که دیگر هرگز این جسد پیدا نشد.